

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۵۴۱۳۳ ● فاکس: ۸۴۷۱۱۷۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۵۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

ایران ورزشی

از قراردادهای دلاری تا جیب خالی باشگاه‌ها و غرامت های سنگین کمرشکن

اسکناس سوزی لاکچری

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

فوتبال ایران سال‌هاست از یک بیماری مزمن، عمیق و ساختاری رنج می برد؛ ویروسی شوم و خسارت‌بار که در هیاهوی روزهای پرتب‌وتاب نقل‌وانتقالات، زیر سایه «بمب‌های خبری» و عکس‌های یادگاری کمتر به چشم می‌آید، اما در پایان هر فصل، خود را بی‌رحمانه در قالب پرونده‌های قضایی بین‌المللی، پنجره‌های بسته نقل‌وانتقالاتی، حساب‌های بانکی توقیف‌شده و بدهی‌های انباشته و کمرشکن نمایان می‌کند.

در ظاهر مسابقات، رقابت بی‌امان و نفسگیر باشگاه‌ها برای جذب ستاره‌های میلیاردی، تمهید قرارداد بازیکنان ملی‌پوش و استخدام مربیان سرشناس خارجی، تصویری فریبنده از رونق، ثروت و پویایی اقتصادی به نمایش می‌گذارد؛ تصویری که بیش از آنکه واقعیت باشد، نوعی سراب خوشرنگ است. اما پشت این ویرتین پرزرق‌وبرق، واقعیتی تلخ و پست‌انگیز در دل جیب خالی باشگاه‌هایی که عملاً هیچ درآمد پایداری از فوتبال ندارند، از بودجه واقعی خود فراتر هزینه می‌کنند، از خلق ارزش افزوده و توسعه منابع مالی محروم‌اند و برای ادامه حیات روزمره، پیش از هر زمان دیگری به بودجه عمومی، شرکت‌های مادر صنعتی یا مالکان متمول وابسته شده‌اند.

آمارهای مستند سه فصل اخیر نشان می‌دهد اقتصاد فوتبال ایران نه‌تنها در مسیر حرفه‌ای‌سازی، خودکفایی و انضباط مالی حرکت نکرده، بلکه با شتابی نگران‌کننده وارد چرخه‌ای ویرانگر از تورم مصنوعی، انباشت بدهی و وابستگی ساختاری شده است. مجموع هزینه‌های لیگ برتر فوتبال ایران از حدود ۵۷۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۳ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ رسیده است؛ رشدی نزدیک مکر در کادر فنی و تارفاثاتی شدید هواداران مواجه شدند. این جهش خیره‌کننده نه حاصل توسعه بازار، افزایش درآمد‌های تجاری، رونق بلیت‌فروشی یا دریافت حق پخش تلویزیونی، بلکه نتیجه مستقیم رقابتی افسارگسیخته، غیرمنطقی و فاقد پشتوانه کارشناسی در بازار نقل‌وانتقالات و افزایش بی‌سابقه دستمزدهاست.

مسایقه‌ای که برنده ندارد

در فوتبال حرفه‌ای و ساختارمند جهان، افزایش هزینه‌ها معمولاً همزمان، متناسب و همگام با رشد درآمد‌ها اتفاق می‌افتد. باشگاه‌های بزرگ دنیا از محل فروش حق پخش تلویزیونی، بلیت‌فروشی، اسپانسرشی، اعطای لایسنس، فروش محصولات هواداری و انتقال بازیکنان، درآمد‌های کلان و پایدار کسب می‌کنند و سپس متناسب با این سرفه‌آوری، سقف هزینه‌های خود را افزایش می‌دهند. اما در فوتبال ایران، این معادله کاملاً وارونه است؛ ابتدا هزینه‌های سنگین و تعهدات غیرقابل‌پرداخت ایجاد می‌شود و سپس مدیران، سرگردان و بی‌برنامه، در پی یافتن منابعی از بودجه‌های عمومی برای تسویه آنها برمی‌آیند.

نمونه‌های متعدد این سوءمدیریت را می‌توان در پرونده‌های مربوط به جذب و جدایی مربیان خارجی و بازیکنان کم‌کیفیتی دید که با هزینه‌های گزاف وارد فوتبال ایران شدند و در نهایت با طرح شکایت، آن را ترک کردند. جدیدترین نمونه‌ها، پرونده‌های سایپتو و سرژ اوبیه در سرخابی‌های تهران است که بار دیگر هزینه‌های سنگین و تعیبات حقوقی این تصمیمات غیرکارشناسی را به نمایش گذاشت. این رویه معیوب، طی سال‌های اخیر به شکل‌گیری رقابتی مخرب منجر شده است که می‌توان آن را به‌درستی «مسابقه مالی» نامید؛ رقابتی که در آن هر باشگاه برای عقب نماندن از رقیب سنتی خود، ناچار به ثبت

قراردادهایی سنگین‌تر و پرهزینه‌تر می‌شوند، بی‌آنکه توان واقعی برای ایفای این تعهدات داشته باشند.

پایامد مستقیم و گزارش‌های این تعهدات نقل و انتقالات بازیکنان است؛ بازاری که در آن قیمت‌ها هیچ‌نسبتی با واقعیت‌های اقتصادی کشور ندارد و هر فصل رکوردهای تازه‌ای بی‌منطقی و بی‌انضباطی مالی به ثبت می‌رسد.

میلاردی خرج کردند و ناکام ماندند

نگاهی دقیق به صورت‌های مالی و گزارش‌های منتشرشده در فصل ۱۴۰۴-۱۴۰۳، ابعاد تازه و نگران‌کننده‌ای از این مخارج سرسام‌آور را آشکار می‌کند. در این فصل، باشگاه تراکتور تبریز عنوان یکی از پرهزینه‌ترین تیم‌های لیگ برتر را به خود اختصاص داد. ارزشیابی‌ها نشان می‌دهد هزینه‌های این باشگاه رقمی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است؛ رقمی که محمدرضا زوزی، مالک باشگاه، نیز آن را تأیید کرده و رسماً اعلام داشته مجموعه تحت‌مدیریتش در این فصل حدود ۸۰۰ میلیارد تومان برای دستیابی به موفقیت هزینه کرده است.

پس از تراکتور، باشگاه سپاهان اصفهان با هزینه‌ای در بازه ۵۵۰ تا ۶۲۰ میلیارد تومان در جایگاه دوم قرار گرفت. استقلال تهران نیز رقمی در حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه کرد و پرسپولیس تهران در رتبه بعدی با هزینه‌ای نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان قرار دارد. ارقامی که تا همین چند سال پیش حتی در مخیله مدیران ورزشی نیز نمی‌گنجید، اکنون به واقعیتی عادی و روزمره در فوتبال ایران تبدیل شده‌اند؛ واقعیتی که بیش از آنکه نشانه بی‌شرفیت باشد، بیانگر نوعی بی‌انضباطی مالی مزمن است.

اما نکته کلیدی و تعیین‌کننده اینجااست: هزینه‌کرد بیشتر، الزاماً به معنای موفقیت ورزشی یا رضایت هواداران نبوده است. برخی از پرخرج‌ترین تیم‌های لیگ برتر نه‌تنها به جام قهرمانی دست نیافتند، بلکه در طول فصل با حواشی گسترده، چالش‌های عمیق مدیریتی، تغییرات مکرر در کادر فنی و تارفاثاتی شدید هواداران مواجه شدند. این واقعیت بروشنی نشان می‌دهد که مسأله اصلی فوتبال ایران صرفاً کمبود منابع مالی نیست، بلکه نحوه تخصیص، مدیریت و هزینه‌کرد ناکارآمد این منابع، به همان اندازه و شاید حتی بیشتر، ویرانگر و تعیین‌کننده است.

درآمد؛ حلقه مفقوده در فوتبال

حال اگر هزینه‌ها با چنین شتابی سر به فلک کشیدند، وضعیت درآمد‌های باشگاه‌ها چگونه است؟ پاسخ به این پرسش، ریشه اصلی چالش اقتصادی فوتبال ایران را عیان می‌کند. درآمد عملیاتی و واقعی بسیاری از باشگاه‌های لیگ برتری حتی به یک‌چهارم هزینه‌های جاری آنها نیز نمی‌رسد. نمونه بارز این شکاف عمیق، باشگاه پرسپولیس است. درآمد عملیاتی این باشگاه در آخرین صورت مالی منتشرشده حدود ۱۱۰ میلیارد تومان اعلام شده، در حالی که هزینه‌های مصوب و رسمی آن به حدود ۴۸۰ میلیارد تومان رسیده است. به بیان دیگر، بیش از سه‌چهارم (۷۵ درصد) از بودجه این باشگاه از منابعی خارج از چرخه واقعی اقتصاد فوتبال تأمین می‌شود؛ منابعی که نه پایدارند و نه قابل اتکا.

در چنین ساختار شکننده و ناپایداری، طبیعی است که وابستگی باشگاه‌ها به شرکت‌های مادر، بانک‌ها، صنایع بزرگ و منابع عمومی روزبه‌روز تشدید شود. ارزش کل گردش مالی لیگ برتر ایران حدود ۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که در فوتبال حرفه‌ای اروپا، اغلب معادل مبلغ انتقال تنها یک بازیکن جوان است. این مقایسه به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا بسیاری از کارشناسان نشان

فوتبال ایران هنوز فاصله‌ای چشمگیر و حتی نگران‌کننده- با ورود به اقتصاد واقعی و استانداردهای اولیه صنعت ورزش دارد.

هزینه‌کرد بیشتر، الزاماً به معنای موفقیت ورزشی یا رضایت هواداران نبوده است.

برخی از پرخرج‌ترین تیم‌های لیگ برتر نه‌تنها به جام قهرمانی دست نیافتند بلکه در طول فصل با حواشی گسترده

چالش‌های عمیق مدیریتی تغییرات مکرر در کادر فنی و تارفاثاتی شدید هواداران مواجه شدند

بدهی‌ها هر سال بزرگ‌تر می‌شود

شاید ملموس‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین شاخص چالش اقتصادی فوتبال ایران، حجم هولناک بدهی‌های انباشته در صورت‌های مالی باشگاه‌ها باشد؛ بدهی‌هایی که نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه هر سال با شتابی نگران‌کننده بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. در این میان، باشگاه استقلال یکی از چالشی‌ترین و بغرنج‌ترین شرایط را تجربه می‌کند. برآوردها از مجموع بدهی‌های این باشگاه، از حدود ۹۵۰ میلیارد تومان آغاز شده و تا نزدیک به ۱ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان نیز متغیر است. استقلال در ماه‌های اخیر با احکام توقیف اموال، بسته شدن مکرر پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی و انبوهی از پرونده‌های حقوقی در مراجع دادرسی و بین‌المللی دست‌به‌گریبان بوده است. حتی در تازترین پرونده‌های مفتوح، یکی از بازیکنان سابق این تیم، طلایی معادل ۲۸۸ میلیارد تومان را مطالبه کرده است؛ رقمی که به‌تنهایی می‌تواند بخشی از عمق چالش را به تصویر بکشد.

باشگاه پرسپولیس نیز از این چرخه معیوب بی‌نصیب نمانده و شرایطی به‌مراتب نگران‌کننده را تجربه می‌کند. بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، بدهی‌های این باشگاه حدود ۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است. بدهی مالیاتی سنگین ۵۰۳ میلیارد تومانی، محکومیت ۱۵۲ میلیارد تومانی ناشی از یک قرارداد اقتصادی ناموفق و همچنین کشف ۲۶۰ میلیارد تومان بدهی جدید، تنها بخش کوچکی از کوه یخ مشکلات مالی سرخیوشان را تشکیل می‌دهد؛ کوهی که بخش اعظم آن همچنان پنهان و حل‌نشده باقی مانده است. باشگاه پنهان چهره خروستان، که زمانی به‌عنوان نمونه‌ای از انضباط مالی و مدیریت ساختاری در فوتبال ایران شناخته می‌شد، اکنون با بدهی‌ای بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان دست‌وپنجه نرم می‌کند. مسدود شدن حساب‌های بانکی، کاهش ۸۰ درصدی بودجه اجرایی و چالش مالی شرکت مادر، این باشگاه را در موقعیتی دشوار و شکننده قرار داده است. در همین حال، باشگاه ذوب‌آهن اصفهان نیز با حدود ۴۶۰ میلیارد تومان بدهی مواجه است؛ باشگاهی که با وجود ثبت درآمد ۳۰۲ میلیارد تومانی، به دلیل هزینه‌های ۳۹۸ میلیارد تومانی، زبانی معادل ۹۶ میلیارد تومان را متحمل شده است که نشانگر واقعی اقتصاد فوتبال تأمین می‌شود؛ منابعی که نه پایدارند و نه قابل اتکا.

در چنین ساختار شکننده و ناپایداری، طبیعی است که وابستگی باشگاه‌ها به شرکت‌های مادر، بانک‌ها، صنایع بزرگ و منابع عمومی روزبه‌روز تشدید شود. ارزش کل گردش مالی لیگ برتر ایران حدود ۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که در فوتبال حرفه‌ای اروپا، اغلب معادل مبلغ انتقال تنها یک بازیکن جوان است. این مقایسه به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا بسیاری از کارشناسان نشان

فوتبال ایران هنوز فاصله‌ای چشمگیر و حتی نگران‌کننده- با ورود به اقتصاد واقعی و استانداردهای اولیه صنعت ورزش دارد.

انفجار دستمزدها و چرخه معیوب بازار

همه‌ترین محرک این افزایش افسارگسیخته هزینه‌ها، رشد بی‌سابقه و کنترل‌نشده دستمزد بازیکنان و کادر فنی است. رئیس کمیته صدور مجوز حرفه‌ای فدراسیون فوتبال پیش‌تر

آکادمی‌ها؛ سرمایه‌هایی که فوتبال ایران نادیده می‌گیرد

فوتبال ایران سال‌هاست برای ساختن بازیکن هزینه می‌کند، اما هنگام بهره‌برداری از این سرمایه، مسیر دیگری را انتخاب می‌کند. بسیاری از باشگاه‌ها به جای آنکه تیم بزرگسالان خود را بر پایه استعداد‌های آکادمی بنا کنند، نخستین راحل را در بازار نقل‌وانتقالات جست‌وجو می‌کنند؛ بازاری که هر فصل هزینه‌های بیشتری به باشگاه‌ها تحمیل

می‌کند و در نهایت نیز به انباشت بدهی و افزایش هزینه می‌کند، اما هنگام بهره‌برداری از این سرمایه، مسیر دیگری را انتخاب می‌کند. بسیاری از باشگاه‌ها به جای آنکه تیم بزرگسالان خود را بر پایه استعداد‌های آکادمی بنا کنند، نخستین راحل را در بازار نقل‌وانتقالات جست‌وجو می‌کنند؛ بازاری که هر فصل هزینه‌های بیشتری به باشگاه‌ها تحمیل



هشدار داده بود که ماینگین حقوق پرداختی به بازیکنان در ایران، پس از کشورهای عربستان، امارات و قطر، چهارمین رقم بالا در سطح قاره آسیاست؛ آماری که هیچ‌گونه تناسبی با ظرفیت درآمدزایی واقعی لیگ برتر ندارد و بیش از هر چیز، نشانه‌ای از یک بازار بیمار و فاقد تنظیم‌گری مؤثر است.

در اغلب باشگاه‌های ایرانی، بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد از کل بودجه سالانه صرف پرداخت دستمزد بازیکنان و مربیان می‌شود. این در حالی است که در چهارچوب آیین‌نامه‌های انضباط مالی در لیگ‌های حرفه‌ای جهان، این نسبت به‌طور جدی کنترل می‌شود و باشگاه‌ها اجازه ندارند بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد از درآمد‌های خود را به حقوق و دستمزد اختصاص دهند. با این حال، در فوتبال ایران، افزایش غیرکارشناسی قیمت یک بازیکن، به‌سرعت کل بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سایر باشگاه‌ها را ناگزیر می‌کند برای عقب نماندن از رقبا، ارقام قراردادهای خود را به‌صورت تصادفی و بی‌ضابطه افزایش دهند؛ چرخه‌ای معیوب که هر فصل، خود را در قالب تورمی تازه و چالشی عمیق‌تر بازتولید می‌کند.

زخمی که همچنان سر باز می‌کند

در کنار بدهی‌های سنگین داخلی، غفلت‌های مدیریتی در عرصه بین‌الملل نیز ضربات جبران‌ناپذیری به پیکره اقتصاد فوتبال ایران وارد کرده است. پرونده جنجالی مارک ویلموس که به محکومیت چند میلیون یورپی فدراسیون فوتبال منجر شد، نمونه‌ای آشکار از سوءمدیریت، ضعف در تنظیم قراردادها و فقدان نظارت حقوقی مؤثر است؛ نمونه‌ای که به‌درستی می‌توان آن را یکی از پرهزینه‌ترین اشتباهات مدیریتی سال‌های اخیر دانست. در سطح باشگاهی نیز، پرونده‌هایی نظیر پیتسو موسیمانه در استقلال یا قراردادی بیش از یک میلیون دلار، تنها بخشی از تعهدات ارزی سنگینی هستند که بدون پیش‌بینی منابع مالی پایدار ایجاد شده و در نهایت تبعاتی فلج‌کننده برای فوتبال کشور به همراه داشته‌اند.

آغاز آزمون بزرگ انضباط مالی

در واکنش به این چالش‌های فزاینده، فدراسیون فوتبال با تصویب و ابلاغ دستورالعملی جدید تحت عنوان «انضباط، شفافیت و ثبات مالی» تلاش کرده مسیر اصلاحی را هموار کند. این دستورالعمل جایگزین سیاست ناکارآمد سقف بودجه شده است؛ سیاستی که در فصل‌های گذشته بارها و به‌راحتی توسط باشگاه‌ها دور زده شد و عملاً نتوانست مانعی در برابر رشد افسارگسیخته هزینه‌ها و تورم ایجاد کند. بر اساس آیین‌نامه جدید، دیگر عدد ثابتی به‌عنوان سقف بودجه برای همه باشگاه‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه هر باشگاه موظف است هزینه‌های جاری خود را متناسب با میزان درآمد عملیاتی تحقق‌یافته‌اش تنظیم کند. همچنین مقرر شده در یک بازه زمانی پنج‌ساله، وابستگی باشگاه‌ها به بودجه‌های عمومی و شرکت‌های مادر به‌صورت پلکانی کاهش یابد و در مقابل،

سهم درآمد‌های اختصاصی و واقعی افزایش پیدا کند. این رویکرد، در ظاهر شباهت قابل‌توجهی به قواع «فیرلی مالی» یوفا دارد؛ چراکه به‌جای قیمت‌گذاری دستوری، ساختار مالی و توان درآمدزایی باشگاه را مبنای ارزیابی قرار می‌دهد.

آیا انضباط مالی اجرا خواهد شد؟

پرسش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای که اکنون پیش روی جامعه فوتبال قرار دارد این است: آیا این آیین‌نامه جدید می‌تواند فوتبال ایران را از مرداب بدهی و بی‌انضباطی مالی نجات دهد؟ پاسخ، بیش از هر چیز به اراده اجرایی و فدراسیون و وجود ضمانت‌های واقعی و غیرقابل‌دورزن بستگی دارد. اگر همچنان مسیر برای ثبت قراردادهای خارج از چهارچوب، پرداخت دستمزد زیرمیزی-از ارز دیجیتال گرفته تا فولاد و میلگرد، خانه و خودرو و سایر امتیازات غیرشفاف- و تزریق منابع مالی غیرعملیاتی باز باشد، این دستورالعمل نیز سرزشتی جز باقی نماند، مانند روی کاغذ نخواهد داشت. از سوی دیگر، بدون اصلاح زیرساخت‌های درآمدی، اجرای کامل این آیین‌نامه عملاً با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود. تا زمانی که حق پخش تلویزیونی به‌عنوان اصلی‌ترین شریان درآمدی-پرداخت نشود، درآمد‌های بلیت‌فروشی به دلیل فرسودگی زیرساخت‌های ورزشگاهی ناچیز باقی بمانند، بازار حق کی‌رابت و فروش محصولات هواداری شکل‌نگیرد و باشگاه‌ها از داشتن استادیوم‌های اختصاصی محروم باشند، سخن گفتن از انضباط مالی واقعی، بیش از آنکه برنامه‌ای اجرایی باشد، به رویایی دوردست شباهت خواهد داشت.

فوتبال ایران بر سر تقاطع تصمیم‌گیری

امروز فوتبال ایران در نقطه‌ای حساس و نرس‌وشت‌ساز ایستاده است: نقطه‌ای که دیگر امکان بهانه‌سازی یا قراردادی بیش از یک مسکن‌های موقت و استقراض‌های جدید وجود ندارد. هزینه‌ها با شتابی بی‌سابقه از درآمد‌ها پیشی گرفته‌اند، بدهی‌ها به شکل فزاینده سنگین‌تر شده و وابستگی به منابع عمومی به اوج رسیده است. اگر آیین‌نامه جدید انضباط مالی با قاطعیت، شفافیت و بدون تبعیض اجرا شود، می‌توان امیدوار بود که در یک بازه چندساله، باشگاه‌ها به سمت شفافیت، پاسخگویی و درآمدزایی واقعی حرکت کنند.

اما اگر این قوانین نیز در برابر نفوذ و فشار باشگاه‌های بزرگ و ذی‌نفوذ نادیده گرفته شوند، آینده فوتبال ایران چیزی جز افزایش بدهی‌ها، گسترش پرونده‌های قضایی، محرومیت‌های بین‌المللی از سوی AFC و افت روزافزون کیفیت فنی نخواهد بود. واقعیت این است که اقتصاد فوتبال ایران دیگر با مسکن درمان نمی‌شود؛ این صنعت نیازمند یک جراحی عمیق و اصلاحی ساختاری است. جراحی‌ای که اگر امروز به تعویق بیفتد، فردا هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر بر عهده باشگاه‌ها، هواداران و کل ورزش کشور تحمیل خواهد کرد.

یادداشت



کازم‌اولیایی
مدیرعامل اسبق استقلال

اقتصاد فوتبال ایران بیمار است

فوتبال حرفه‌ای در جهان پیش از آنکه یک رقابت ورزشی باشد، یک بنگاه اقتصادی است؛ بنگاهی که باید هزینه‌های خود را از محل درآمد‌های واقعی تأمین کند. متأسفانه در فوتبال ایران هنوز این اصل اساسی پذیرفته نشده و همین موضوع ریشه بسیاری از بحران‌های امروز باشگاه‌های بزرگ کشور است.

استقلال و پرسپولیس به عنوان دو باشگاه پرهوادار ایران، سرمایه‌های اجتماعی کشور هستند، اما نحوه واگذاری آنها پس از حذف از لیگ قهرمانان آسیا به دلیل مالکیت دولتی، بدون برنامه‌ریزی بلندمدت انجام شد. در فرایند خصوصی‌سازی، انتظار می‌رفت خرداران برنامه‌ای مشخص برای آینده باشگاه‌ها، توسعه درآمد‌ها و اصلاح ساختار مالی ارائه کنند، اما چنین برنامه‌ای مطالبه نشد و همین مسأله یکی از ضعف‌های اصلی این واگذاری بود.

نگرانی امروز تنها به بدهی‌های انباشته باشگاه‌ها محدود نمی‌شود. وقتی باشگاهی بدون داشتن درآمد پایدار، قراردادهای سنگین امضا می‌کند، در حقیقت آینده خود را پیش‌خور کرده است. در فوتبال حرفه‌ای هیچ محدودیتی برای پرداخت دستمزد بازیکنان وجود ندارد، اما یک اصل غیرقابل‌تغییر حکم است؛ هر باشگاه تنها به اندازه درآمد واقعی خود حق هزینه‌کرد دارد. نه می‌توان با استقراض دائمی باشگاه را اداره کرد، نه با کمک‌های مقطعی و نه با منابعی که ارتباطی با فعالیت اقتصادی فوتبال ندارند. مشکل اصلی فوتبال ایران، ضعف درآمدزایی است. تا زمانی که حق پخش تلویزیونی، درآمد‌های روز مسابقه، بازاربلیت، تبلیغات و بهره‌برداری از ورزشگاه‌ها به باشگاه‌ها تعلق‌نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت تراز مالی آنها مثبت شود. باشگاهی که درآمد عملیاتی ندارد، ناچار است هر سال بر حجم بدهی‌های خود بیفزاید و این چرخه، که در نهایت به بسته شدن پیچونه نقل‌وانتقالات، تشدید می‌شود. باشگاه‌های حرفه‌ای در این چرخه، که در نهایت به بسته شدن پیچونه نقل‌وانتقالات، تشدید می‌شود. باشگاه‌های حرفه‌ای در این چرخه، که در نهایت به بسته شدن پیچونه نقل‌وانتقالات، تشدید می‌شود.

امروز فوتبال ایران در نقطه‌ای حساس و نرس‌وشت‌ساز ایستاده است: نقطه‌ای که دیگر امکان بهانه‌سازی یا قراردادی بیش از یک مسکن‌های موقت و استقراض‌های جدید وجود ندارد. هزینه‌ها با شتابی بی‌سابقه از درآمد‌ها پیشی گرفته‌اند، بدهی‌ها به شکل فزاینده سنگین‌تر شده و وابستگی به منابع عمومی به اوج رسیده است. اگر آیین‌نامه جدید انضباط مالی با قاطعیت، شفافیت و بدون تبعیض اجرا شود، می‌توان امیدوار بود که در یک بازه چندساله، باشگاه‌ها به سمت شفافیت، پاسخگویی و درآمدزایی واقعی حرکت کنند.

اما اگر این قوانین نیز در برابر نفوذ و فشار باشگاه‌های بزرگ و ذی‌نفوذ نادیده گرفته شوند، آینده فوتبال ایران چیزی جز افزایش بدهی‌ها، گسترش پرونده‌های قضایی، محرومیت‌های بین‌المللی از سوی AFC و افت روزافزون کیفیت فنی نخواهد بود. واقعیت این است که اقتصاد فوتبال ایران دیگر با مسکن درمان نمی‌شود؛ این صنعت نیازمند یک جراحی عمیق و اصلاحی ساختاری است. جراحی‌ای که اگر امروز به تعویق بیفتد، فردا هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر بر عهده باشگاه‌ها، هواداران و کل ورزش کشور تحمیل خواهد کرد.

زمانی که سرمربی ژال مادرید بود، جمله‌ای معروف داشت که می‌گفت هیچ‌کس مرا ساعت ۹ شب در خیابان‌های مادرید ندیده است؛ چون بعد از تمرین به خانه می‌رتم، مستراحتم می‌کردم و زندگی حرفه‌ای مرا داشتم. این همان نگاهی است که یک فوتبالیست موفق باید داشته باشد. طاهری در پایان تأکید کرد: «اگر قرار است مدیربرنامه در فوتبال ایران جایگاه حرفه‌ای پیدا کند، باید مسئولیت او نیز متناسب با اختیارات و درآمدش تعریف شود. در غیر این صورت، فعالیت او تنها به افزایش رقم قراردادها محدود خواهد شد؛ در حالی که فوتبال حرفه‌ای به مدیران برنامه‌ای نیاز دارد که در رشد فنی، انضباط و آینده بازیکنان نیز نقش آفرین باشند.»

ایجنت‌ها هم با بازیکنان جریمه شوند

مدیر برنامه نباید فقط روز قرارداد دیده شود

مدیری ببینند، طبعاً به او اعتماد می‌کنند. من بارها به بازیکنان گفتم تا زمانی که من مدیرعامل باشگاه هستم، نیازی به مدیربرنامه، وکیل یا واسطه ندارید، چون تلاش می‌کنم بیش از هر فرد دیگری منافع شما را در قراردادها حفظ کنم.» او ادامه داد: «هنگام تنظیم قراردادها، بندهای مختلف را برای بازیکنان توضیح می‌دم و نسبت به مواردی که ممکن نبود بعدها برایشان مشام ایجاد کند هشدار می‌دادم. حتی به برخی مدیران برنامه گفته بودم مذاکرات نهایی باید خارج از فضای باشگاه انجام شود، زیرا معتقد بودم باشگاه‌ها باید مستقیماً با بازیکن ارتباط داشته باشند نه مدیربرنامه‌اش.»

مدیرعامل اسبق پرسپولیس با انتقاد از نگاه رایج به حرفه بازیکنان گفتم تا زمانی که من مدیرعامل باشگاه هستم، نیازی به مدیربرنامه، وکیل یا واسطه ندارید، چون تلاش می‌کنم بیش از هر فرد دیگری منافع شما را در قراردادها حفظ کنم.» او ادامه داد: «هنگام تنظیم قراردادها، بندهای مختلف را برای بازیکنان توضیح می‌دم و نسبت به مواردی که ممکن نبود بعدها برایشان مشام ایجاد کند هشدار می‌دادم. حتی به برخی مدیران برنامه گفته بودم مذاکرات نهایی باید خارج از فضای باشگاه انجام شود، زیرا معتقد بودم باشگاه‌ها باید مستقیماً با بازیکن ارتباط داشته باشند نه مدیربرنامه‌اش.»

علی اکبر طاهری، مدیرعامل اسبق پرسپولیس، معتقد است نقش مدیران برنامه در فوتبال ایران به عنوان یکی از عاملین اصلی افزایش دستمزد قرارداد بازیکنان، به درستی تعریف نشده و بسیاری از آنها تنها هنگام امضای قرارداد فعال هستند؛ در حالی که یک ايجنت حرفه‌ای باید تا پایان قرارداد در کنار بازیکن حضور داشته باشد و حتی در کنترل رفتار حرفه‌ای او نقش ایفا کند.

طاهری با اشاره به تجربه دوران مدیریتش در پرسپولیس گفت: «ارتباط مدیرعامل با بازیکنان باید صادقانه باشد، من خودم در دوران حضورم به عنوان مدیرعامل پرسپولیس هرگز به بازیکنی دروغ نگفتم» و هرگز به او قولی ندادم که نتوانسم آن را عملی کنم، وقتی بازیکنان این صداقت را در